

«مستند کوتاه» را برای تازه کارها پیشنهاد می‌دهم می‌گوید: «باید با فرآیند داستان، گره و نقاط عطف فیلم بیشتر آشنا شوم. در این صورت فیلم نامه خوبی برای ساخت دارم. به این هنر علاقه دارم و سال‌های آینده فیلم‌های بیشتری در حوزه مستند و فیلم کوتاه خواهم ساخت.» او درباره هزینه‌های ساخت فیلم می‌گوید: «قطعا هر کاری هزینه بر است. اما توصیه من به آن‌هایی که می‌خواهند فیلم بسازند این است که با موضوع‌های ساده و لوکیشن‌های طبیعی مثل خانه و طبیعت شروع کنند و از دوستان و اطرفیانی که در این حوزه تخصص دارند برای تولید فیلم اول خود کمک بگیرند. این روش به پایین آمدن هزینه‌ها کمک می‌کند.» او درباره تجهیزات ساخت فیلم هم می‌گوید: «فیلم‌سازی مثل همه حرفه‌ها ابزار و وسایل خاص خود را نیاز دارد. دوربین‌های مجهز و ابزارهای مرتبط با آن، بوم‌صدا و افرادی متخصص که بسته به میزان ایده و داستان فیلم از تخصص آن‌ها باید استفاده کرد. برای این فیلم به جز هلی‌شات که تصاویر هوایی می‌گرفت و بوم‌صدا نیاز به ابزار خاص دیگری نداشتیم.»

### ● کتاب و دوستان قدیمی، ایده‌های بعدی برای ساخت مستند

می‌لادا ایده فیلم‌های خود را از زندگی روزمره و یادقت زیاد پیدامی کند، بیشتر از موضوعاتی که دغدغه خود او هم هستند. کتاب خواندن و دوستان محله، دو ایده بعدی او برای فیلم‌سازی هستند. می‌گوید: «میزان خواندن کتاب در این سال‌ها پایین آمده به ویژه در کودکان و نوجوانان. این ایده خوبی برای مستند است. البته این فیلم باید طی چند سال و به صورت فرآیندی ساخته شود. تعدادی از دانش‌آموزان را برای این کار باید در نظر گرفت و از آن‌ها خواست کتاب‌هایی را برای خواندن پیشنهاد دهند و بعد آن را خوانی کنند. یاد باره داستان کتاب صحبت کنند. در این مسیر قصد دارم دلایل بی‌علاقگی آن‌ها به کتاب خواندن را نشان بدهم.» اما منبع ایده دوم می‌لادا درباره دوستان قدیمی و هم‌محله‌ایش است. او می‌گوید: «نمی‌دانم چرا ما بچه‌هایی که با هم بزرگ شده‌ایم، الان جویای حال و احوال هم نیستیم. از صبح تا شب همراه هم بودیم و سال‌ها در کنار هم زندگی کردیم. از درد دل هم خبر داشتیم و خانواده‌های هم‌دیگر را می‌شناختیم. اما الان از هم بی‌خبریم. این دغدغه‌ای است که در صورت امکان آن را به صورت یک مستند خواهیم ساخت.»



### جذب قاریان قرآن به عنوان معلم

می‌لادا از کودکی با قرآن مأنوس بوده و به خواندن آن علاقه داشته است. همین باعث شده بود در مسابقات قرآن دوره‌های مختلف تحصیلی و دانشگاه شرکت کند و رتبه‌های برتر این مسابقات را به دست آورد. می‌گوید: «اواخر سال ۹۱ آموزش و پرورش تصمیم گرفت قاریان قرآن و آن‌هایی را که رتبه برتر کشوری در مسابقات قرائت دارند به عنوان دبیر جذب کند. از طرف آموزش و پرورش با من تماس گرفتند و خواستند در آزمون شرکت کنم و بعد از آن هم به عنوان معلم رسمی استخدام شدم.» کسب مقام اول استانی اقامه اذان در دوره دبستان، کسب مقام اول کشوری دانشجویان در حفظ پنج جزء، کسب مقام اول رشته ترتیل در دوره کارشناسی از شد بین دانشجویان علوم قرآنی و کسب مقام اول مسابقات ملی دانشجویی بخشی از دستاوردهای او در این مسابقات است.

دفاع کند. او می‌گوید: «چون معلمان حق التدریس مثل رسمی‌ها خودی نیستند نام فیلم را «مهمان» گذاشتم. خانم مرادی هم در پایان فیلم دیالوگی با این مضمون دارد و می‌گوید ما اینجا «مهمان» هستیم. شخصیت محوری فیلم یک معلم موفق است که از قضا حق التدریس است. مهمان، تصویری از طیف مظلوم و پرکار آموزش و پرورش یعنی معلمان حق التدریس است.» می‌لادا درباره مسیر سختی که این معلمان برای رسمی شدن باید طی کنند می‌گوید: «شرط ورود رسمی به سیستم آموزش و پرورش برای این معلمان، بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال کار، شرکت در دو پودمان و آزمون اصلاح است. آن‌ها در تمام سال‌های کاری و قبل از رسمی شدن، معادل یک سوم حقوق معلمان رسمی حقوق می‌گیرند و همان راه یک سال بعد، علاوه بر این تابستان‌ها هم حقوق ندارند. این عزیزان بعد از طی کردن این سال‌ها باید در پودمان شرکت کنند. یعنی دو ترم کامل سرکلاس حاضر شوند، تمام جزوات را بخوانند و هزینه آن راهم پرداخت کنند. بعد نوبت به آزمون اصلاح می‌رسد که اگر با موفقیت از سد آن رد شوند، به‌طور رسمی معلم آموزش و پرورش می‌شوند. این نیروها در تمام این سال‌ها سختی‌ها را به جان می‌خرند و جزو بهترین نیروهای آموزش و پرورش هستند.»

### ● کتاب می‌خوانم، فیلم می‌بینم و عکاسی می‌کنم

تجربه موفق فیلم‌سازی باعث شد می‌لادا مصمم‌تر از قبل این مسیر را دنبال کند. می‌گوید: «قطعا این مسیر را ادامه می‌دهم و به آن علاقه مند هستم. اول راه هستم و هنوز باید بیاموزم. در این فیلم محتوا و تحقیقات دست من بود و کارگردان هنری دانیال بود. اما دغدغه‌های زیادی دارم و می‌خواهم آن‌ها را با قیام دور بین نشان دهم. با دوستان هنرمند مشورت کردم. برای حرفه‌ای شدن در این مسیر باید کتاب بخوانم. فیلم‌بینم و عکاسی کنم. برای بهتر شدن در این مسیر دور بین تهیه کردم. فیلم‌های مستند از کارگردان‌های خوب ایرانی و خارجی را می‌بینم. فیلم‌هایی مانند «مشق شب» از عباس کیارستمی، «گبه» از محسن مخملباف، «صفر تا سکو» از سحر مصیبی که درباره خواهران منصوری است و «صعود آزاد» برنده اسکار بهترین مستند در سال ۲۰۱۹ را دیده‌ام. به توصیه دوستان ابتدا سراغ داستان نویسی می‌روم و بعد فیلم نامه نویسی.» او کتاب‌های «هنر داستان نویسی» نوشته ابراهیم یونسی، «از ایده تا فیلم نامه» و فیلم نامه تا تدوین» ال‌رنزنتال و کتاب



### زلزله سفید سنگ، اولین مستند

زلزله سفید سنگ اولین مستند می‌لادا است. سال ۹۴ به همراه یکی از دوستان خیرش به روستای «رزمگاه» در مسیر فریمان و تربت جام رفت. قصدشان تهیه عکس و فیلم از وضعیت زندگی ساکنان این روستا بود تا با نشان دادن فیلم و عکس‌ها کمک خیران دیگر را برای آبادانی روستا جذب کنند. می‌لادا می‌گوید: «ساکنان این روستا به دلیل کمبود امکانات مثل انسان‌های اولیه زندگی می‌کردند.» بهار ۹۶ در سفید سنگ زلزله‌ای آمد که در اثر آن بیشتر خانه‌های سفید سنگ و روستاهای اطراف خراب شدند. همان سال می‌لادا دوباره با دوستانش به روستای رزمگاه رفت تا شرایط روستاییان را ارزیابی کنند. می‌لادا می‌گوید: «تمام خانه‌های روستا خراب شده بود. عکس‌های سال قبل را داشتیم و یک کار تطبیقی کردم. از شرایط جدید عکس گرفتم و با گذاشتن آن‌ها کنار هم اهمیت بازسازی روستاها را نشان دادم. البته این فیلم بیشتر یک کار تمرینی بود و آن را در آرشیو نگه داشته‌ام.»

می‌کشند، قدردانی و از آن‌ها دفاع کنم. این معلمان با کمترین حقوق و مزایا به دورترین و محروم‌ترین مدارس می‌روند. در این راه مشکلات فراوانی دارند اما آموزش برای آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد و در این راه کوتاهی نمی‌کنند. من همه این‌ها را که دیدم تصمیم گرفتم صدای این معلمان باشم و سختی‌ها و زحماتشان را با قیام دور بین نشان بدهم. اسفند ۹۷ بود که از کلاس معلم این مدرسه بازدید کردم. او با اینکه حق التدریس بود و امکانات محدودی در مدرسه داشت. از شیوه‌های به روز در امر آموزش استفاده می‌کرد. کاردستی‌های زیادی را به در و دیوار کلاس چسبانده بود و ارتباط مؤثری با هر کدام از دانش‌آموزان داشت. «می‌لادا به اختلالات در امر آموزش اشاره می‌کند و می‌گوید: «اختلالات اهمیت ویژه‌ای در آموزش و پرورش دارند. هیچ کدام از دانش‌آموزان یک کلاس در امر یادگیری یکسان نیستند و مثال آن را در متفاوت نوشتن دانش‌آموزان می‌توان دید. بعضی سریع و بعضی کند می‌نویسند. بسیاری از معلمان در برخورد با این دانش‌آموزان، استعداد آن‌ها را کم‌ارزیابی می‌کنند. اما معلمان علاقه مند به تدریس، به دنبال برطرف کردن مشکل می‌روند و از روش‌های خلاقانه در امر آموزش استفاده می‌کنند. معلم این کلاس از این دست معلمان بود. برای دانش‌آموزان دفترچه مخصوص درست کرده بود و نکات مربوط به هر دانش‌آموز را می‌دانست و براساس آن از روش مشخص و متفاوت استفاده می‌کرد. او از نکات آموزشی بین المللی استفاده می‌کرد و از فضای مجازی بهره می‌برد. روشی نبود که در باره آن تحقیق یا مطالعه نداشته باشد.»

### ● ساخت «مهمان» با کمک اهالی روستا

فرهنگ محله‌ای که می‌لادا در آن بزرگ شده بود بستری بود که در همه تصمیم‌های مهم زندگی اش برایش سرنوشت ساز بود. این بار هم دوستان محله‌ای و فیلم‌سازش در پروراندن دغدغه‌هایی که ذهن می‌لادا را به خود مشغول کرده بود کمک کردند. در مسیر قله‌زو با یکی از هم‌محله‌ای‌هایم داشتیم درباره فعالیت‌های معلم روستای اسلام قلعه صحبت می‌کردیم. این دوست قدیمی از من خواست فیلم را با همکاری برادر دانیال بسازم و دغدغه‌های خود را در رابطه با وضعیت معلمان حق التدریس مطرح کنم. او پیش از این هم یک فیلم تجربی درباره زلزله سفید سنگ ساخته بود و این بار جسارت بیشتری برای زدن حرف‌هایش احساس می‌کرد. فیلم دومش یعنی «مهمان» را به‌طور تخصصی و با کادری مجرب ساخت و به‌طور جدی تر دنیای فیلم مستند وارد شد: «قبل از شروع فیلم برداری چند بار دیگر به روستا رفتم و مطالعات و مصاحبه‌های عمیقی انجام دادم. با دانش‌آموزان، فضای روستا و دبیر این مدرسه خانم الهام مرادی ارتباط بیشتری گرفتم. از نزدیک خانه او را دیدم و با همسرش گفت و گو کردم. همه چیز برای ساخت فیلم مهیا شد. همراه برادر که کارگردان هنری بود و سایر عوامل، راهی روستا شدیم و چهار جلسه فیلم برداری کردیم. سه جلسه در مدرسه و یک جلسه در خانه فیلم برداری انجام شد.»

### ● ما خودی نیستیم، مهمانیم

فیلم «مهمان» جایزه بهترین مستند بخش ملی را در جشنواره رشد دریافت کرد. این فیلم به بخش مسابقه جشنواره فیلم کوتاه تهران نیز راه پیدا کرد. می‌لادا می‌خواهد از حقوق معلمان حق التدریس

### خلاقیت هنر حل مسئله

می‌لادا از اینکه چند مسیر را هم‌زمان طی کرده خوشحال است و می‌گوید: «بارها به این فکر کرده‌ام اگر تمام تمرکز و توانم را روی یک مسیر بگذارم شاید موفق تر باشم. اما وقتی به میدان عمل برمی‌گردم، دوباره همان چند مسیر را انتخاب می‌کنم و خوشبختانه توانستم به اندازه تلاشم در همه آن‌ها خوب عمل کنم. خلاقیت و پیدا کردن راه‌حل‌های مختلف در این رابطه کمک زیادی می‌کند. مهندسی عمران، دبیری قرآن و فیلم‌سازی درون خود مسائلی دارند و باید برای آن‌ها به دنبال راه‌حل بود. خلاقیت در زندگی نیاز به خلاقیت داریم و باید خلاق باشیم و راه‌های مختلف را امتحان کنیم. هر وقت با بحرانی مثل کرونا در زندگی روبه‌رو می‌شویم خلاقیت به کمک ما می‌رسد. یک کفاش، کاسب یا معلم خلاق در این شرایط هم می‌تواند کاسب و کار پر رونقی داشته باشد.»